

# داستان راستان

جلد اول و دوم

متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

انتشارات صدرا

سرشناسه	مطهری مرتضی، ۱۳۶۸-۱۳۵۸.
عنوان و نام پدیدآور	داستان راستان / مرتضی مطهری
مشخصات نشر	تهران: صدرا، ۱۳۷۹
مشخصات ظاهری	۳۲۸ ص.
شابک	978-964-5600-18-9
ولسیت فهرست‌نویسی	فیا
موضوع	داستانهای اطلاقي -- مجموعه‌ها: اسلام -- داستان. الف. عنوان.
موضوع	این کتاب قبلاً در دو جلد چاپ شده است.
رده‌بندی کنگره	۲۲ د م / ۵ / ۲۱۹ / ۵ BP
رده‌بندی دیویی	۲۹۷ / ۶۸۱



### داستان راستان (جلد اول و دوم)

اثر: استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری

چاپ پنجاه و نهم: مهر ۱۴۰۰ مطابق ربیع الاول ۱۴۲۳

تعداد: ۱/۵۰۰ نسخه

بها: ۷۵/۰۰۰ تومان

حروفچینی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ فجر (۱۰۰۱۳۶۵). تلفن: ۳۳۱۹۷۹۶

ناشر: انتشارات صدرا (با کسب اجازه از شورای نظارت بر نشر آثار استاد شهید)

کلیه حقوق چاپ و نشر مخصوص ناشر است.

• تهران: شعبه ۱: خیابان اختر، سرو، مقابل دارالفنون، کوچه دکتر مسعود. تلفن: ۳۳۹۱۵۱۳

شعبه ۲: خیابان انقلاب، بین خیابانهای دانشگاه و ابوریحان، پلاک ۱۱۴۲. تلفن: ۶۶۴۶۱۰۰۸۶

شعبه ۳: خیابان پاسداران - خیابان ناطق نوری - بوستان کتاب. تلفن: ۲۲۸۵۲۲۸۹

• قم: شعبه ۴: خیابان ارم. تلفن: ۳۷۷۴۱۵۲۲. دورنگار: ۳۷۷۲۳۱۲

شعبه ۲: مجتمع ناشران ۳۷۸۲۷۵۹۵

پایگاه اینترنتی و فروشگاه آنلاین: [motaharif.org](http://motaharif.org)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۰۰-۱۸-۹ ISBN: 978-964-5600-18-9

## فهرست مطالب

شماره داستان	عنوان	صفحه
	مقدمه جلد اول	۱۱
۱	رسول اکرم و دو حلقه جمعیت	۲۱
۲	مردی که کمک خواست	۲۳
۳	خواهش دعا	۲۶
۴	بستن زانوی شتر	۲۷
۵	همسفر حج	۲۹
۶	غذای دسته جمعی	۳۰
۷	قافله ای که به حج می رفت	۳۱
۸	مسلمان و کتابی	۳۳
۹	در رکاب خلیفه	۳۵
۱۰	امام باقر و مرد مسیحی	۳۶
۱۱	اعرابی و رسول اکرم	۳۸
۱۲	مرد شامی و امام حسین	۴۰

۴۲	مردی که اندرز خواست	۱۳
۴۲	مسیحی و زره علی علیه السلام	۱۴
۴۶	امام صادق و گروهی از متصوفه	۱۵
۵۹	علی و عاصم	۱۶
۶۲	مستمند و ثروتمند	۱۷
۶۴	بازاری و عابر	۱۸
۶۶	غزالی و راهزنان	۱۹
۶۸	ابن سینا و این مسکویه	۲۰
۶۹	نصیحت زاهد	۲۱
۷۱	در بزم خلیفه	۲۲
۷۴	نماز عید	۲۳
۷۸	گوش به دعای مادر	۲۴
۷۹	در محضر قاضی	۲۵
۸۰	در سرزمین منا	۲۶
۸۲	وزنه برداران	۲۷
۸۴	نازه مسلمان	۲۸
۸۷	سفره خلیفه	۲۹
۸۹	شکایت حسابه	۳۰
۹۱	درخت خرما	۳۱
۹۳	در خانه ام سلمه	۳۲
۹۵	بازار سیاه	۳۳
۹۷	وامانده قافله	۳۴
۱۰۰	بند کفش	۳۵
۱۰۱	هشام و فرزندق	۳۶

۱۰۴	بزنطی	۳۷
۱۰۶	عقبیل، مهمان علی	۳۸
۱۱۰	خواب وحشتناک	۳۹
۱۱۱	در ظلّه بنی ساعده	۴۰
۱۱۳	سلام یهود	۴۱
۱۱۴	نامه‌ای به ابوذر	۴۲
۱۱۶	مزد نامعین	۴۳
۱۱۸	بنده است یا آزاد؟	۴۴
۱۲۰	در میقات	۴۵
۱۲۲	بار نخل	۴۶
۱۲۳	عرق کار	۴۷
۱۲۴	دوستی که بریده شد	۴۸
۱۲۶	یک دشنام	۴۹
۱۲۹	شمشیر زبان	۵۰
۱۳۰	دو همکار	۵۱
۱۳۳	منع شرابخواره	۵۲
۱۳۵	پیراهن خلیفه	۵۳
۱۳۶	جوان آشفته حال	۵۴
۱۳۸	مهاجران حبشه	۵۵
۱۴۵	کارگر و آفتاب	۵۶
۱۴۶	همسایه نو	۵۷
۱۴۷	آخرین سخن	۵۸
۱۴۸	نُسیبه	۵۹
۱۵۱	خواهش مسیح	۶۰

## بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه جلد اول

در مدتی که مشغول جمع آوری و تنظیم و نگارش یا چاپ این داستانها بودم، به هر یک از رفقا که برخورد می کردم و می گفتم کتابی در دست تألیف دارم مشتمل بر یک عده داستانهای سودمند واقعی که از کتب احادیث یا کتب تواریخ و سیر استخراج کرده با زبانی ساده و سبکی اینچنین نگارش می دهم تا در دسترس عموم قرار بگیرد، همه تحسین و تمجید می کردند و این را بالاخص برای طبقه جوان کاری مفید می دانستند. بعضیها از آن جهت که تاکنون نسبت به داستانهای سودمند اخبار و احادیث این کار انجام نشده، این را یک نوع «ابتکار» تلقی می کردند و می گفتند: «جای این کتاب تاکنون خالی بود.»

البته کتابهای سودمند که مستقیماً متن حقایق اخلاقی و اجتماعی را به لباس «بیان» درآورده اند، یا کتبی که حقایق زندگی را در لباس «داستان» - که فکر و قلم نویسنده آن را ساخته و پرداخته است - حقیقتی ندارد - مجسم کرده اند، یا کتب سیرت که از اول تا آخر در مقام نقل تاریخ زندگی یک یا چند شخصیت بزرگ بوده اند، از شماره بیرون است، ولی نویسنده تاکنون به کتابی برخورد کرده است که مؤلف به منظور هدایت و ارشاد و تهذیب اخلاق عمومی داستانهایی سودمند از کتب تاریخ و حدیث استخراج کرده

و در دسترس عموم قرار داده باشد. اگر هم این کار شده است، نسبت به داستانهای اخبار و احادیث صورت نگرفته است.

این فکر خواه یک فکر ابتکاری باشد و خواه نباشد، از من شروع نشده و ابتکار من نبوده است. در یکی از جلسات «هیئت تحریریه شرکت انتشار» که از یک عده اساتید و فضلا تشکیل می‌شود و اینجانب نیز افتخار عضویت آن هیئت را دارم، یکی از اعضای محترم پیشنهاد کرد که خوب است کتابی اخلاقی و تربیتی نگارش یابد ولی نه به صورت «بیان» بلکه به صورت حکایت و «داستان»، آنهم نه داستانهای جعلی و خیالی بلکه داستانهای حقیقی و واقعی که در کتب اخبار و احادیث یا کتب تواریخ و تراجم (شرح احوال) ضبط شده است.

این پیشنهاد مورد قبول هیئت واقع شد. سهمی که اینجانب دارد این است که بیش از سایر اعضا این فکر در نظرم مقبول و پسندیده آمد و همان وقت تعهد کردم که این وظیفه را انجام دهم. اثری که اکنون مشاهده می‌فرمایید مولود آن پیشنهاد و آن تعهد است.

□

مآخذ و مدارک داستانها با قید صفحه و احیانا با قید چاپ کتاب، در پاورقی نشان داده شده و گاه هست که بیش از یک مآخذ در پاورقی ذکر شده. غالباً ذکر بیش از یک مآخذ برای این بوده که در نقلها کم و زیادی وجود داشته و قرائن نشان می‌دهد که از هر کدام چیزی افزاده یا آنکه ناقل عنایتی به نقل همه داستان نداشته است.

در بیان و نگارش هیچ داستانی از حدود متن مأخذی که نقل گشته تجاوز نشده و نگارنده از خیال خود چیزی بر اصل داستان نیفزوده یا چیزی از آن کم نکرده است. ولی در عین حال این کتاب یک ترجمه ساده تحت‌اللفظی نیست، بلکه سعی شده در حدودی

که قرائن و امارات دلالت می‌کند و مقتضای طبیعت و روحیه‌های بشری است، بدون آنکه چیزی بر متن داستان افزوده گردد، هر داستانی پرورش داده شود.

با اینکه غالباً نقطه شروع و خط گردش داستان با آنچه در مأخذ آمده فرق دارد و طرز بیان مختلف و متفاوت است، به علاوه تا حدودی داستان در اینجا پرورش یافته است، اگر خواننده به مأخذ مراجعه کند، می‌بیند این تصرفات طوری به عمل آمده که در حقیقت داستان هیچ‌گونه تغییر و تبدیلی نداشته، فقط داستان را مطبوع‌تر و شنیدنی‌تر کرده است.

در این کتاب از لحاظ نتیجه داستان هیچ‌گونه توضیحی داده نشده، مگر آنکه در متن داستان جمله‌ای بوده که نتیجه را بیان می‌کرده است. و حتی عنوانی که روی داستان گذاشته شده سعی شده، حتی الامکان، عنوانی باشد که اشاره به نتیجه داستان نباشد. البته این بدان جهت بوده که خواسته‌ایم نتیجه‌گیری را به عهده خود خواننده بگذاریم.

کتاب و نوشته باید هم زحمت فکر کردن را از دوش خواننده بردارد و هم او را وادار به تفکر کند و قوه فکری او را برانگیزد. آن فکری که باید از دوش خواننده برداشته شود، فکر در معنی جمله‌ها و عبارات است. از این نظر تا حدی که وقت و فرصت اجازه می‌دهد کوشش شده که عبارات روان و مفهوم باشد. و اما آن فکری که باید به عهده خواننده گذاشته شود فکر در نتیجه است. هر چیزی تا خود خواننده درباره آن فکر نکنند و از فکر خود چیزی بر آن نیفزاید، با روحش آمیخته نمی‌گردد و در دلش نفوذ نمی‌کند و در عملش اثر نمی‌بخشد. البته آن فکری که خواننده از خودش می‌تواند بر مطلب بیفزاید، همانا نتیجه‌ای است که به طور طبیعی از مقدمات می‌توان گرفت.